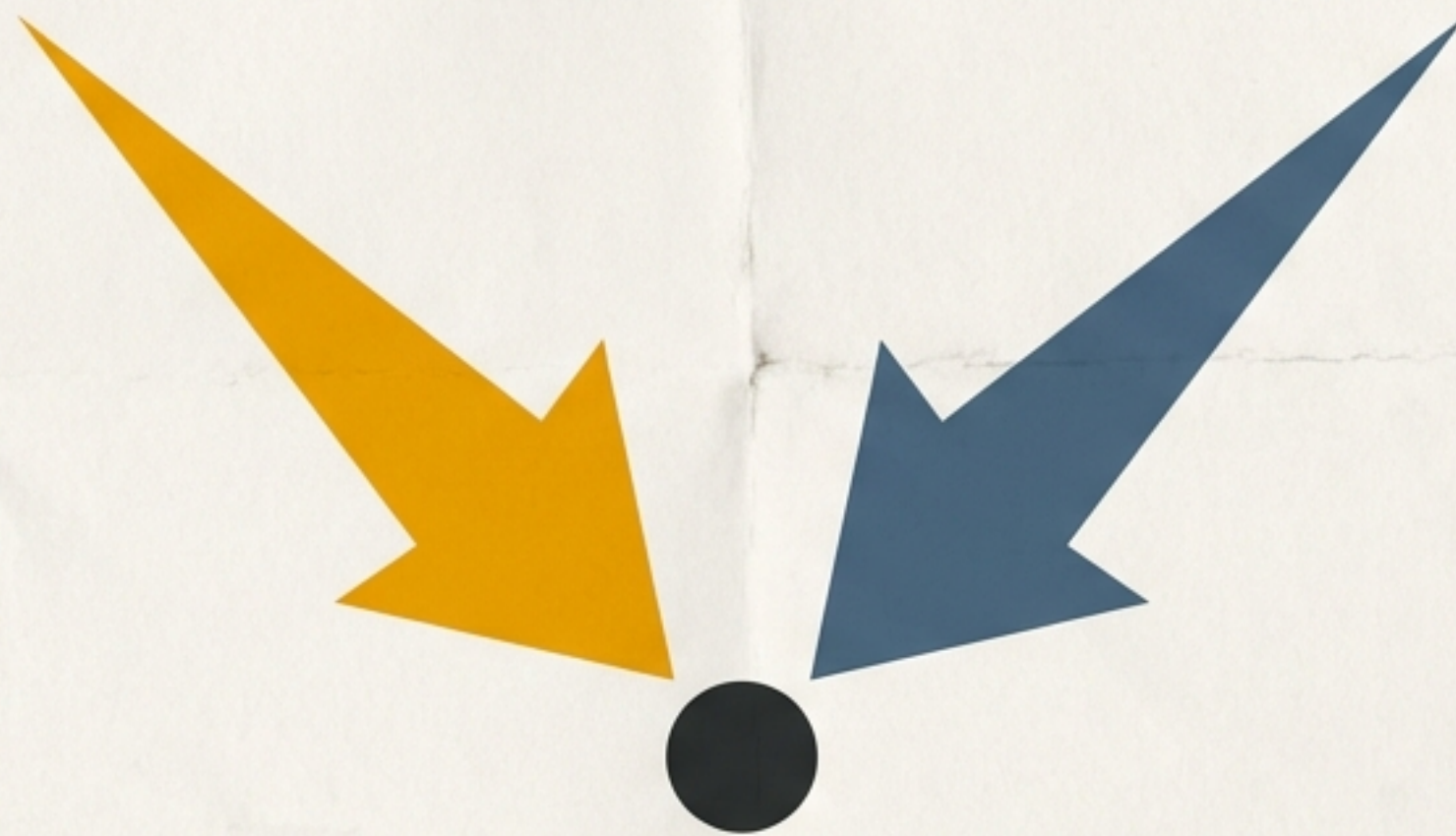


طرح عملیاتی گازانبوری

معماری جنگ اقتصادی و بی‌ثبات‌سازی سیاسی ایالات متحده برای تغییر رژیم



تحلیلی مبتنی بر شواهد از چهار مطالعه موردی: شیلی، عراق، لیبی و ونزوئلا.

یک استراتژی دوگانه با نتایج فاجعه‌بار و قابل پیش‌بینی



ایالات متحده برای سرنگونی رژیم‌های مخالف، از یک استراتژی «گازانبری» تکرار شونده استفاده می‌کند. این طرح عملیاتی دو شاخه دارد:

۱.

جنگ اقتصادی: تخریب ارزش پول ملی از طریق ابزارهای مالی برای ایجاد ابرتورم و به فقر کشاندن کشاوران طبقه متوسط.

۲.

بی‌ثبات‌سازی سیاسی: حمایت مالی و لجستیکی از اپوزیسیون داخلی برای تبدیل درد اقتصادی به بحران مشروعیت سیاسی.

نتیجه‌گیری کلیدی: شواهد تاریخی نشان می‌دهد که این استراتژی، فارغ از وعده‌های اولیه، همواره به فروپاشی اقتصادی عمیق‌تر و ناامنی سیستماتیک در دوران «پسا-مداخله» منجر شده است.

کالبدشکافی طرح عملیاتی: چگونه اقتصاد را «به فریاد واداریم»

شاخه راست (بی‌ثبات‌سازی سیاسی)



۱. حمایت مالی از اپوزیسیون (از طریق نهادهایی مانند NED).

۲. تبدیل بحران اقتصادی به «بی‌کفایتی رژیم» در رسانه‌ها.

۳. سازماندهی اعتراضات و مشروعیت‌زدایی از حکومت.

شاخه چپ (جنگ اقتصادی)



۱. تحریم بانکی و مسدود کردن ذخایر ارزی.

۲. قطع دسترسی به سیستم سوئفت و درآمدهای نفتی.

۳. سقوط ارزش پول ملی و ایجاد ابرتورم.

ایجاد بهانه برای مداخله نهایی

این استراتژی ترکیبی، مرز بین جنگ و صلح را از بین برده و از آسیب اقتصادی به عنوان پیشران اصلی برای تغییر سیاسی استفاده می‌کند.

زرادخانه قانونی: تکامل ابزارهای جنگ اقتصادی آمریکا

۱۹۱۷

قانون «تجارت با دشمن»
(TWEA)

اختیارات گسترده در زمان جنگ.

۱۹۷۷

قانون «اختیارات اقتصادی
اضطراری بین‌المللی» (IEEPA)

نقطه عطف. به رئیس‌جمهور اجازه می‌دهد در زمان صلح نیز «وضعیت اضطراری» اعلام کرده و دارایی‌ها را مسدود کند.

پس از ۲۰۰۱

تقویت ابزارها تحت لوای
«مبارزه با تروریسم»

وزارت خزانه‌داری (OFAC) به یک اتاق جنگ مالی تبدیل می‌شود.

نکته کلیدی: این قوانین به آمریکا اجازه می‌دهند تا با قطع دسترسی بانک مرکزی یک کشور به سیستم مالی جهانی، ارزش پول ملی آن را تقریباً بلافاصله نابود کند.

مطالعه موردی ۱: شیلی (۱۹۷۰-۱۹۷۳) - طرح اولیه

«اقتصاد را به فریاد وادرید.»

— ریچارد نیکسون، ۱۵ سپتامبر ۱۹۷۰، خطاب به رئیس سیا.



جنگ اقتصادی

- قطع کامل اعتبارات بین‌المللی.
- توقف وام‌های بانک جهانی و بانک بانک توسعه قاره آمریکا.
- فشار بر شرکت‌های آمریکایی برای خروج سرمایه.

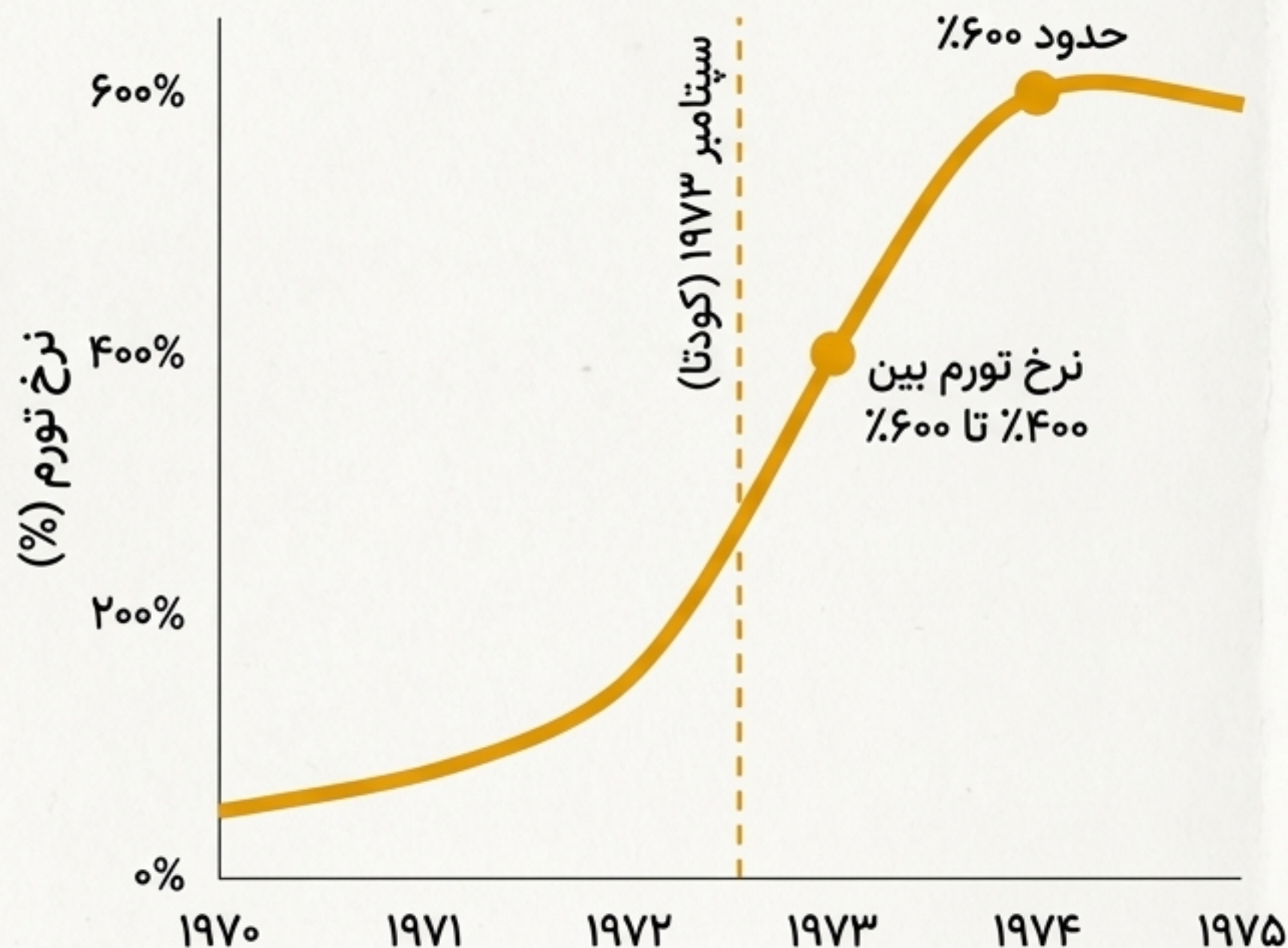


بی‌ثبات‌سازی سیاسی

- تامین مالی اعتصاب کامیون‌داران برای فلج کردن توزیع کالا (۸ میلیون دلار از سوی سیا).
- حمایت مالی از رسانه‌های مخالف مانند روزنامه «المرکوریو».

پیامدهای فاجعه‌بار: دیکتاتوری و ابرتورم

نرخ تورم در شیلی (۱۹۷۰-۱۹۷۵)



ابرتورم، طبقه متوسط را که پایگاه ثبات اجتماعی بود، نابود کرد و آنها را به سمت حمایت از تغییر رژیم سوق داد.

برخلاف وعده‌ها، وضعیت اقتصادی پس از کودتای پینوشه بهبود نیافت.

- «امنیت» وعده داده شده، تنها از طریق سرکوب خشن، اعدام‌های صحرایی و ناپدید شدن هزاران مخالف سیاسی تأمین شد.

مطالعه موردی ۲: عراق (۱۹۹۰-۲۰۰۳) - از تحریم تا اشغال

اجرای طرح عملیاتی گازانبری (یک دهه محاصره)



🔥 جنگ اقتصادی

شدیدترین رژیم تحریمی تاریخ
(قطعه نامه ۶۶۱).

سقوط ارزش دینار

قبل از ۱۹۹۰: ۱ دینار = ۳.۲ دلار



اواسط دهه ۹۰: ۳۰۰۰ دینار = ۱ دلار

نابود شدن طبقه متوسط تحصیل کرده
و وابستگی جامعه به جیره‌های غذایی.

🇮🇶 بی‌ثبات‌سازی سیاسی

تصویب «قانون آزادسازی عراق»
(۱۹۹۸) و اختصاص ۹۷ میلیون
دلار بودجه به اپوزیسیون (کنگره
ملی عراق - INC).

حمایت فعال سیا از گروه‌هایی مانند
وفاق ملی عراق (INA) برای کودتاهای
نافرجام.

پیامدهای فاجعه‌بار: وابستگی ارزی و ناامنی بی‌پایان

بخش اول: بحران ارزی ساختاری

دینار جدید عراق کاملاً به دلار وابسته شد و درآمدهای نفتی مستقیماً به «بانک فدرال رزرو نیویورک» واریز می‌شود. در سال ۲۰۲۳، ۲۰ سال پس از «آزادسازی»، محدودیت‌های فدرال رزرو باعث سقوط مجدد ارزش دینار و اعتراضات خیابانی شد.

بخش دوم: هزینه انسانی ناامنی

برآورد تلفات ناشی از خشونت (۲۰۰۳-۲۰۱۱)

مطالعه لنست:

۶۵۵,۰۰۰

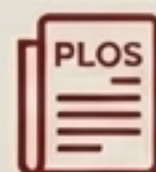
مرگ مازاد



مطالعه PLOS Medicine:

۴۰۵,۰۰۰

مرگ مازاد



شمارش اجساد عراق (IBC):

۱۸۷,۰۰۰ - ۲۱۰,۰۰۰

غیرنظامی کشته‌شده



خلاً قدرت ناشی از انحلال ارتش عراق منجر به ظهور القاعده، داعش و قرار گرفتن عراق در صدر «شاخص جهانی تروریسم» برای بیش از یک دهه شد.

مطالعه موردی ۳: لیبی (۲۰۱۱) - تبخیر ثروت ملی

اجرای طرح عملیاتی گازانبوری (حمله برق آسا)

بی‌ثبات‌سازی سیاسی

- به رسمیت شناختن «شورای ملی انتقالی» (NTC) به عنوان نماینده قانونی.
- ایجاد مبنای حقوقی برای انتقال بخشی از دارایی‌های مسدود شده به شورشیان.
- ارسال محرمانه سلاح و حضور نیروهای ویژه در کنار عملیات «منطقه پرواز ممنوع».

جنگ اقتصادی

- انجماد سریع دارایی‌ها: آمریکا و متحدانش در اقدامی بی‌سابقه، بیش از ۶۰-۷۰ میلیارد دلار از دارایی‌های «سازمان سرمایه گذاری لیبی» (LIA) را مسدود کردند.
- این اقدام، رژیم قذافی را از منابع مالی برای دفاع از پول ملی محروم کرد.



پیامدهای فاجعه‌بار: هرج و مرج مطلق و دولت شکست‌خورده

بحران اقتصادی

- سقوط "۶۰ درصدی" تولید ناخالص داخلی (GDP) در سال ۲۰۱۱.
- دوپاره شدن بانک مرکزی (طرابلس در غرب، بیضا در شرق) و بحران نقدینگی شدید.



بحران امنیتی

- ورود به جنگ داخلی طولانی (۲۰۱۴-۲۰۲۰).
- "شاخص دولت‌های شکننده (States Fragile States)" : لیبی بیشترین میزان وخامت اوضاع را در دهه پس از ۲۰۱۱ تجربه کرد.
- غارت زرادخانه‌ها، گسترش تروریسم در منطقه ساحل آفریقا و ظهور داعش در شهر سرت.



مطالعه موردی ۴: ونزوئلا (۲۰۱۴-اکنون) - محاصره مدرن

اجرای طرح عملیاتی گازانبوری (خفگی اقتصادی)



جنگ اقتصادی

تحریم شرکت نفت دولتی (PDVSA) و جلوگیری از بازگشت درآمدهای ارزی.

ابرتورم در سال ۲۰۱۹ به

۱۰ میلیون درصد

پیامد انسانی: طبق گزارش مرکز تحقیقات اقتصادی و سیاسی (CEPR)، تحریمها تنها در سالهای ۲۰۱۷-۲۰۱۸ مسئول مرگ **۴۰,۰۰۰ نفر** بوده‌اند.

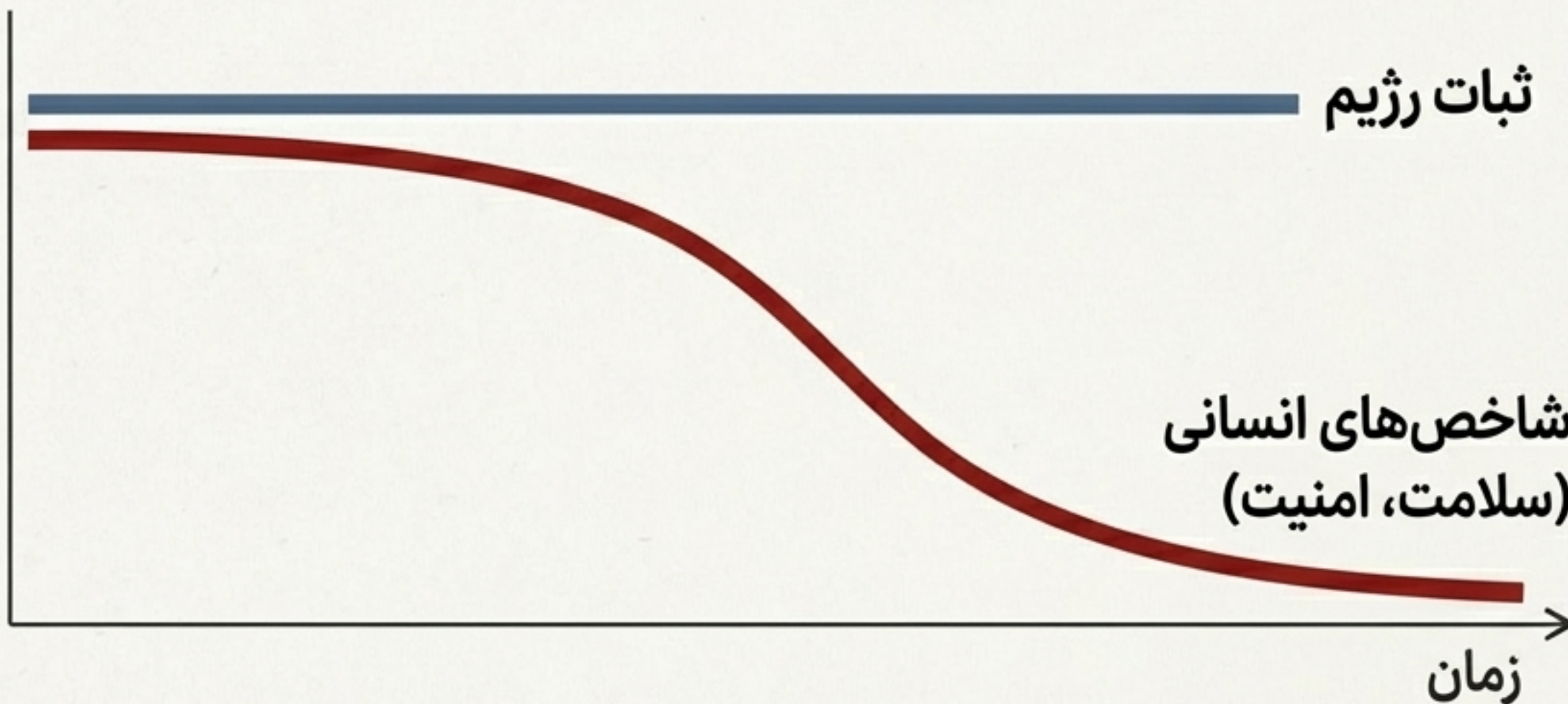
بی‌ثبات‌سازی سیاسی

ایجاد «دولت موازی» با به رسمیت شناختن خوان گوایدو.

واگذاری کنترل دارایی‌های خارجی (مانند پالایشگاه CITGO) به تیم گوایدو.

تزریق صدها میلیون دلار کمک از سوی USAID برای زنده نگه داشتن اعتراضات.

پیامدهای فاجعه‌بار: رنج انسانی بدون تغییر رژیم



تحلیل کلیدی:

پرونده ونزوئلا نشان می‌دهد که فرمول «فقر = شورش = تغییر رژیم» همیشه کارساز نیست، اما همیشه منجر به رنج عظیم انسانی می‌شود.

اقتصادی

تخریب کامل ارزش پول ملی و ایجاد فقر گسترده.

اجتماعی

مهاجرت میلیون‌ها نفر به کشورهای همسایه.

امنیتی

وخامت شدید وضعیت امنیتی با افزایش باندهای تبهکار.

الگو تأیید شد: چهار کشور، یک طرح عملیاتی

سنتز یافته‌ها (اثبات فرضیه)

۱. اثبات مداخله پیش‌دستانه:

- در تمام موارد، جنگ ارزی (تحریم، انجماد دارایی) و حمایت مالی از اعتراضات داخلی، پیش از هر اقدام نهایی به کار گرفته شده است.

۲. اثبات وخامت اوضاع پس از مداخله:

- در تمام موارد، مشکلات ارزی و امنیتی پس از مداخله به مراتب شدیدتر شده و کشورها را در چرخه‌ای از وابستگی، خشونت و ضعف ساختاری گرفتار کرده است.



طرحی برای «شکستن»، نه «ساختن»



استراتژی آمریکا بر پایه «شکستن» ساختارهای حریف بنا شده است، اما فاقد هرگونه برنامه واقعی یا برنامه واقعی یا توانایی برای «ساختن» مجدد آنهاست.

* این رویکرد، کشورها را در چرخه‌ای بی‌پایان از تورم، وابستگی، خشونت فرقه‌ای و ضعف ساختاری باقی می‌گذارد.

* آشوب ناشی از تغییر رژیم اجباری، بسیار خونبارتر و ویرانگرتر از سرکوب‌های رژیم‌های پیشین است.